

درآمدی بر ردیّه نویسی دینی در عصر صفویّه

و دوران نخستین قاجاریّه

طاهره عظیم‌زاده

دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی (مشهد)

چکیده :

در دوران صفویه و آغاز قاجاریه، بسیاری از مسیحیان و یهودیان در ایران زندگی می‌کردند، چنانکه شمار آنان از زرتشتیان ایرانی نژاد بیشتر بود.

به علت وضعیت سیاسی خاص این دوران شمار بسیاری از سفرا و نمایندگان سیاسی اروپا به ایران می‌آمدند و معمولاً هیئتهای تبلیغی مسیحی نیز آنها را همراهی می‌کردند. این هیئتها به تبلیغ آئین مسیحیت پرداخته همچنین زمینه را برای حکومتهای استعماری آماده می‌کردند. یکی از مهمترین فعالیتهای آنها نوشتن کتابهایی بر ضد اسلام و در دفاع از حقانیت مذهب خودشان بود. علمای مسلمان و نیز مسلمانان (جدید الاسلامها) کتابهای زیادی بر ضد آنها نوشتند، چنانکه ادبیات گسترده‌ای در این زمینه به وجود آمد.

این مقاله این ادبیات را در عصر صفویه و قاجاریه مورد بررسی قرار

می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: مسیحیت و یهودیت در ایران، مبلغان مسیحی، علل و انگیزه‌های تغییر دین،

جدیدالاسلامها، ترجمه‌های فارسی و عربی کتاب مقدس، ردیّه نویسی.

بحث و مناظره بین مسلمانان و یهودیان و نصاری و رد نوشتن بر آئین یکدیگر پیشینه‌ای طولانی در تاریخ اسلام دارد. در ایران از عصر صفویه به بعد بحثهای کلامی و اعتقادی میان پیروان این ادیان رشد بیشتری کرد و آثاری گسترده در زمینه رد نویسی، در جامعه مسلمانان بوجود آورد. این ردیه‌ها بطور کلی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

- ۱ - مناقضاتی که توسط علماء و صاحب نظران مسلمان نوشته شده‌اند.
- ۲ - ردودی که جدید الاسلام‌ها بعد از مسلمانی بر ضد آئین خود نگاشته‌اند. این نوشتار در صدد آن است که بعنوان پیش درآمدی، زمینه‌ها و چگونگی رد نویسی در ایران عصر صفویه و دوران نخستین حکومت قاجار را بررسی کند. البته این مطالب بدین جهت مطرح نمی‌گردد که اختلافات بین مسیحیان و یهودیان و مسلمانان را آشکار کند، بلکه هدف آن این است که از یک سو با نوع فعالیت‌های مبلغین اروپائی و نقشی که آنان و دولتهایشان در این دو قرن در بوجود آمدن کتب رد نویسی داشته‌اند آشنا شده و از سوی دیگر نگرش و نقش جدید الاسلام‌ها را در این زمان روشن کند.

همانطور که ذکر شد این نوشته مقدمه‌ای است بر یک بحث اساسی در تاریخ تفکر مذهبی - اجتماعی این مرز و بوم و ادبیاتی که در این زمینه خلق شده‌اند. برای این منظور وضعیت پیروان کیش مسیح و یهود در ایران؛ مبلغین اروپائی در ایران و آثارشان؛ واکنش اندیشمندان مسلمان ایرانی در برابر آنها؛ وضعیت تغییر کیش و نوع تفکر جدید الاسلام‌ها مطرح شده‌اند.

وضعیت پیروان کیش مسیح و یهود در ایران

وسعت سرزمین ایران در روزگار صفویه و موقعیت خاص جغرافیائی و سیاسی آن سبب گردید که تعداد زیادی مسیحی و یهودی کنار مسلمین زندگی کنند؛ بطوریکه جمعیت پیروان این ادیان بسیار فزونتر از زرتشتیان گردید که پیروان دین رسمی ایران قبل از اسلام بودند.^(۱) شاه عباس یکم (سلطنت

۱- ارنست اورسل که در عصر قاجاریه از ایران دیدن کرد جمعیت زرتشتیان ایران را کمتر از ادامه پاورقی در صفحه بعد

۱۰۳۸-۱۶۲۹/۹۹۶-۱۵۸۹) بعد از تسخیر گرجستان، یهودیان شهر زعم را که نسبت به شاه ایران اظهار اطاعت کرده بودند به مازندران (لوی، ۱۰۵۱/۳) و مسیحیان را از گرجستان و ارمنستان به اصفهان و مازندران منتقل کرد. جمعیت یهود ایران را در زمان سلطنت شاه عباس یکم سیصد هزار تن ذکر کرده‌اند که بتدریج این جمعیت به عالی، چون از دست دادن نواحی یهودی نشین، گشت و کشتار، تغییر کیش و مهاجرت تقلیل یافت؛ بطوریکه در آغاز سلطنت فتحعلیشاه (۱۲۵۰-۱۲۱۲/۱۸۳۴-۱۷۹۶) به پنجاه هزار تن رسیدند (همانجا).

مسیحیان نیز جمعیت زیادی را تشکیل می‌دادند. شهر ارمنی نشین جلفا در نزدیکی اصفهان ابتدا با بیست هزار نفر توسط شاه عباس تشکیل گردید. این عدّه بسرعت افزایش یافت. در سال ۱۶۹۹/۱۱۱۰ جمعیت آن به حدود چهل هزار تن رسید (لاکهارت، ۵۶۷). ژوبر^(۱) فرانسوی که در دوران سلطنت فتحعلیشاه به ایران آمد، جمعیت ارامنه را هفتاد هزار تن ذکر کرده است (به نقل از رائین، ۴).

همسایگی و رفت و آمد معتقدین به این ادیان با مسلمانان در تشویق علماء به نوشتن کتاب درباره مسیحیت و یهودیت نقش داشت. اما مسأله اساسی که زمینه رشد و نوشتن کتاب بر ضد آراء مسیحیان و یهودیان را فراهم کرد، گسترش روابط بین ایران و اروپا از عصر صفویه به بعد بود.

مبّلعین اروپائی در ایران و آثارشان

ایران در این زمان هر روز پذیرای سفراء و نمایندگان سیاسی کشورهای اروپائی بود که اکثراً با یک هیأت تبلیغاتی همراهی می‌شدند. این گروه تبلیغاتی مذهبی، همچون بازوی کشورهای اروپائی در کشورهای شرقی عمل کردند و زمینه را برای منافع استعماری آنها فراهم می‌آوردند. دکتر عبدالهادی حائری در کتاب نخستین رویاروییهای اندیشه‌گران ایران با دورویه تمدن بورژوازی غرب، ثابت کرده است که

ادامه پاورقی از صفحه قبل

۸۵۰۰ نفر ذکر می‌کند در حالیکه مسیحیان ارمنی ۴۵۰۰۰ نفر و مسیحیان نسطوری ۲۳۰۰۰ نفر و یهودیان ۱۹۰۰۰ نفر بودند. البته تعداد یهودیان در زمان صفویه بیش از این بود و از بعد فتحعلیشاه تعداد آنها به این مقدار تقلیل یافت (ر.ک اورسل، ارنست، سفرنامه اورسل، ۲۲۴).

چگونه کلیسای کاتولیک، کشیشان آزموده خود را با برخورداری از پشتیبانی پادشاهان اروپا به دربار ایران و کشورهای خاور زمین فرستاد، تا آن حاکمان بتوانند از راههای متعدد به خواستهای استعماری دست یابند (حائری، فصلهای ۱۱ و ۱۲).

در اواخر قرن ۹ هـ / ۱۵ م، پاپ سرزمینهای کشف و فتح شده را بین اسپانیا و پرتغال تقسیم کرد با این شرط که آن دو دولت استعمارگر در مسیحی ساختن مردم این سرزمینها کوشش کنند. پادشاه فرانسه، لویی سیزدهم به فرستاده خود لویی دهی^(۱) که در سال ۱۶۲۶/۱۰۳۶ به ایران اعزام شده بود، صریحاً خاطر نشان ساخت که علت حقیقی که آقای دهی برای آن فرستاده می شود، برقراری مذهب کاتولیک در ایران و به دست آوردن تجارت و تفوق فرانسه در این کشور است (همو، ۴۷۶). تأسیس کمپانی فرانسوی هند شرقی مدیون اطلاعات و تجربیات یکی از همین کشیشان به نام رافائل دومان بود که سالها در ایران بسر برد (۱۱۰۸-۱۰۵۵/۱۶۹۶-۱۶۴۵) و منافع سیاسی دولت استعماری فرانسه را فراهم کرد.

وی آگاهیهای خود را بصورت کتابی به نام کشور ایران در سال ۱۶۶۰/۱۰۷۱ به رشته تحریر درآورد و در اختیار دولت فرانسه گذاشت (میراحمدی، ۱۱۳). پس از این مبلغین مسیحی وارد خاور زمین شدند. این مبلغین از فرقه های اگوستین: شاخه ای از دومینکن ها، کاپوسین: شاخه ای از فرانسیسکنها، و کرملی بودند که بتدریج کشیشان پروتستان و یسوعی نیز به آنها اضافه گردیدند. این مبلغین اروپائی کتبی به نفع آئین یهود و نصارا و مخالفت با اسلام تألیف کردند. علمای مسلمان هم در برابر آنها واکنش نشان دادند، در نتیجه یک سلسله ادبیات کلامی در زمینه رد آئین مسیح و یهود بوجود آمد.

از مشهورترین مبلغین مسیحی که در عصر صفویه برای اثبات دین خویش ورد بر اسلام به فارسی کتاب نوشت ژروم گزاویه^(۲) (متوفی ۱۶۱۷ م) بود. وی کتابی به

1- Lovies des Hags

2- Jerome Xavier

نام آئینه حق نما نوشت و آن را به این جهت آئینه حق نما نامید که انسان خردمند و کنجکاو، بدی و خوبی مذهب خود را می‌تواند در آن مشاهده نماید. گزایه که همراه هیأت تبلیغی به هند رفته بود زمان درازی را در دربار جلال الدین اکبر پادشاه مغولی هندوستان گذراند. وی اکبر شاه را تشویق به ترجمه کتب مهم دین نصاری به زبان فارسی کرد. کتاب گزایه دارای پنج باب است که هر باب فصول متعدد دارد. شیوه کتاب به اینصورت است که حکیم مسلمان با پادری مسیحی وارد بحث می‌شود و سؤالات خود را مطرح می‌سازد. شخص دیگری هم وجود دارد که ملاً خوانده می‌شود، او نیز از پادری سؤال کرده بر آئین مسیح ایراد وارد می‌کند، اما استدلال پادری بارها ملاً را به این اظهارات «خوب ثابت کردید.»، «بسیار بسیار پسندیده می‌نماید مرا آنچه از شما استماع نمودیم» وادار می‌کند. سرانجام حقانیت سخنان پادری را پذیرفته و مسیحی می‌شوند. آنگاه پادری می‌گوید:

«منت مر خدای راکه چشم ایقان شما را توتیائی بینائی بخشید و به نور ایمان منور گردانیده بسوی خود کشید. اکنون امیدواری به عنایت باری چنانست که توفیق بخشید شما را تا استقامت در راه این دین که از همه اولی و اصوب است به تمام اطاعت و کوشش بلیغ نمایید زیرا که بی شک و شبه از این راه به دستیاری حضرت مسیح صاحب ما و به استمداد و استعانت دعا‌های حضرت بی بی مریم مبارک پارسا که والدۀ او و خداوند ماست به فرودس برین خواهید رسید.» (گزایه، نسخه خطی).

نسخه‌ای از کتاب «آئینه حق نما» در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است که مؤلف آن ناشناس ذکر گردیده است. اما در فهرست کتب خطی آن کتابخانه، نویسنده کتاب، پادری زیر و نیمو شاوریر ذکر شده است (ولایی، ۱)، که ظاهراً همان گزایه است (حائری، ۵۰۲) (۱).

۱- دکتر حائری در قسمت یادداشتها ضمن توضیح در مورد اصل کلمه گزایه ذکر می‌کند که در کتاب آئینه حق نما خود نویسنده نام خویش را شاوریر خوانده است. ولی تلفظ گزایه هر چند بی دلیل به شیوه‌ای همه گیر و فراگیر در نوشته‌های فارسی به کار رفته است (همانجا).

کتاب *آئینه حق نما* توسط مؤلف آن تلخیص گردیده و به نام *منتخب آئینه حق نما* معروف است.^(۱) سید احمد علوی یکی از علمای اصفهان بر این کتاب ردّیه‌ای به نام *مصقل صفا در تجلیه آئینه حق نما در ردّ تثلیث نصاری* نوشت. علوی از علمای عصر صفویه و شاگرد و داماد میرداماد و نواده محقق کرکی بود. وی تألیفاتی در زمینه‌های گوناگون از جمله فلسفه دارد، حدود چهل کتاب از او ذکر شده است (علوی، ۱۰۲-۹۹). پروفیسور هانری کربن معتقد است که او به زبان عبری مسلط بوده و توانسته است کتاب عهد عتیق را شرح کند. وی احتمال می‌دهد که علوی ارتباط محرمانه با علمای یهود و احبار ایشان داشته است؛ به این دلیل توانسته به خوبی زبان عبری را بداند (همو، ۲۲)^(۲)

سید احمد علوی دو کتاب دیگر نیز در ردّ بر مذهب یهود و مسیحیت تألیف کرده بود به نامهای *صواعق رحمان در ردّ مذهب یهودیان و اللوامع الربّانیة فی ردّ شبه النصرانیة*. کتاب نخست در ردّ مذهب یهودیان و در بیان تغییر تورات و زبور و سایر کتابهای ایشان است. سال نوشتن این کتاب معلوم نیست، ظاهراً باید قبل از تألیف *مصقل صفا* باشد. فعلاً اطلاع بیشتری در مورد این کتاب نداریم. کتاب دیگر *اللوامع الربّانیة* در ردّ یکی از «قسيسان فرنگیان» نگاشته شده است و تاریخ تألیف آن محرم سال ۱۰۳۱ هـ/ ۱۶۱۲ می‌باشد. نام قسیس فرنگی مشخص نشده است (آریان، ۱۵۹).

کتاب گزایوه بوسیله مبلّغان مسیحی^(۳) به دست سید احمد علوی می‌رسد و او

۱- فهرست کتابخانه موزه بریتانیا. شیرو نیمر سواپر را خلاصه کننده کتاب «آئینه حق نما» معرفی کرده است. قبلاً ذکر کردیم که این شخص ظاهراً همان گزایوه است (ر.ک: Rieu. 1/4).
 ۲- هانری کربن سال رحلت سید احمد علوی را که صاحب الذریعه بین سالهای ۱۰۵۴ تا ۱۰۶۰ هـ/ ۱۶۵۰ تا ۱۶۴۴ آورده، به اشتباه سال تألیف «مصقل صفا» ذکر کرده است (ر.ک: علوی، ۲۱).

۳- نام دو مبلّغ مسیحی را پادری جوان (Padre Juan) و پادری بریو (Padre Brio) ذکر کرده است. ر.ک مصقل صفا، تصحیح ناجی، ص ۱۱۶؛ در نسخه خطی «مصقل صفا» که به ش ۲۵۶ در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی موجود است، مطلب به گونه‌ای نوشته شده است که نمی‌توان تشخیص داد که اینان دو پادری بوده‌اند زیرا لفظ جوان که در فارسی متضاد پیر است خواننده را به اشتباه می‌افکند. دقت کنید: «بعضی علمای نصاری مانند سخن سنج نکته دان ادامه پاورقی در صفحه بعد

که بنا به نوشته خودش حضرت مهدی صاحب الزمان علیه السلام را در خواب دیده و مأمور شده بود که کتب نصاری را پاسخ گوید؛ اقدام به تألیف کتبی بر ضد تبلیغات مسیحیان از جمله کتاب گزاویه می‌کند. زمان تألیف کتاب سال ۱۰۳۲ هـ/ ۱۶۲۲ است و در آن سخنان گزاویه را در کتاب *آئینه حق نما*، «خزعبلات» و «تُرّهات» می‌خواند. وی می‌نویسد چون «آن آئینه به کدورت شبه و شکوک غبار آلود» بود «فلامحاله آن را حاجت به مصقلی افتاد که رنگش را حک و تجلیّه و غبارش را محو و تصفیه کند.» کتاب *مصقل صفا* دارای یک مقدمه و سه فصل می‌باشد و با خطاب «یا معشر النصاری» کتب مقدّس و باورهای مسیحیان را نقد می‌کند (علوی، نسخه خطی).

کتاب علوی بر ضدّ مسیحیت مورد توجه نصاری واقع شد تا آنجا که مسیحیان کارملی^(۱) را به فکر پاسخ انداخت. به این جهت کتاب او را به رم فرستادند؛ چندی بعد از آن یکی از مسیحیان فرقه فرانسیسکن به نام فیلیپ گوادگندلی^(۲) پاسخی بر کتاب وی نوشت که در سال ۱۰۴۱ هـ/ ۱۶۱۳ م، در رم منتشر شد. شخص دیگری به نام بوناوانتور مال والیا^(۳) در همان ایام در سال ۱۰۳۸/۱۶۲۸ نیز جوابی بر ضدّ *مصقل صفا* نگاشت (آریان، ۱۵۸). یکی از دوستان گزاویه هم کتابی در ردّ *مصقل صفا* نوشت به نام «آلایشهای مصقل صفا» و ضمن ردّ سخنان علوی گفت که علوی کتاب *آئینه حق نما* را ندیده است و جوابهای او متکّی بر متخب آن کتاب بوده است (همو، ۱۵۹).

کتاب فیلیپ گوادگندلی به ایران آمد و مجدّداً محرّک علماء برای نوشتن کتابهایی در ردّ مسیحیت گردید. بطوریکه سیصد سال پس از او هم علماء از او یاد کرده و مطالبش را ردّ کردند. (مثلاً ر.ک: کاشانی).

ادامه پاورقی از صفحه قبل
پادری جوان و عارف روابط الفاظ و معانی توی بریو پادری بریو از مصتفات... در فهرست کتابخانه بریتانیا هم نام دو پادری جداگانه ذکر شده است (Rieu, 1/4).

- 1- Carmelites
- 2- Filippo Guadagnolo
- 3- Bona Vanture malvalia

مبلغ دیگری که بر ضد اسلام کتاب نوشت شزو^(۱) کشیش فرانسوی بود. وی که نخستین سرپرست بنگاه یسوعین بشمار می رفت، کتابی در اثبات دین مسیح به فارسی نوشت و آنرا به اعتماد الدوله - وزیر اعظم صفویّه - تقدیم کرد (شاردن، ۹۱). اعتماد الدوله نیز از علماء خواست تا مجالس مناظره با شزو ترتیب دهند. این مناظرات به مدت چند سال (۱۰۷۰-۱۰۶۳/۵۹-۱۶۵۲) طول کشید (حائری، ۴۸۵).

گبرائیل افرنجی نیز مسیحی دیگری بود که کتابی در اثبات دین مسیح نوشت. او که مدتها در اصفهان و تبریز بسر برده بود، با زبان ترکی و عربی و فارسی آشنا بود، کتاب خود را به زبان عربی نوشت و از ادله عقلیه و نقلیه برای احقاق عقاید نصارا استفاده کرد. بر رد کتاب او، ظهیر الدین تفرشی از علمای عصر شاه سلیمان صفوی که مدتی نیز در گرجستان پیشنهاد بود کتاب *نصرة الحق* را نوشت. تفرشی از روش مناظره و سؤال و جواب برای ابطال آئین مسیح و اثبات دین اسلام استفاده کرد. این کتاب ابتداء مانند رساله افرنجی به عربی بود و چون شاه از تفرشی خواست که آن را به فارسی ترجمه کند او نیز این کار را انجام داد. بین تفرشی و افرنجی مجلس مناظره ای هم در گرجستان صورت گرفت (همو، ۷-۴۸۶).

کتاب دیگری که بر ضد اسلام بوسیله تبلیغگران اروپائی نوشته شد *مقاله فی الاسلام* به زبان عربی است. نویسنده آن جرجس سال انگلیسی (متوفی ۱۱۴۹/۱۷۳۶ م) بود البته اصل کتاب به انگلیسی بوده و شخصی به نام هاشم آن را به عربی ترجمه کرده است. ترجمه کتاب بوسیله جمعیه الهدایه در مصر منتشر گردید. بعدها این کتاب نیز به ایران آمد و نویسندگانی بر ضد مطالب آن کتاب نوشتند. از جمله میرزا صادق فخرالاسلام که بعد از این درباره او صحبت می کنیم کتاب *بیان الحق* را در جواب او نوشت. شیخ محمد جواد بلاغی نیز کتاب *الهدی الی دین المصطفی* را در اثبات دین اسلام بر ضد باورهای جرجیس نوشت (آریان، ۲-۱۶۱). بلاغی از علمائی است که چندین کتاب بر ضد مسیحیت و یهودیت نوشته است. وی به زبان عبری نیز وارد بوده است. کتاب دیگر او *الرحلة المدرسیة* او

المدرسية السیارة هم در ردّ این دو مذهب و فعالیت‌های کشیشان مسیحی است.^(۱) تکاپوهای مبلغین اروپائی بعد از انقراض صفویه و ایجاد جنبش ردنویسی با حمله افغانها به ایران و انقراض سلطنت صفویه اوضاع کشور به شدت آشفته شد. بعد از به حکومت رسیدن نادرشاه، سیاست این پادشاه نزدیک کردن ادیان به یکدیگر بود. نادر دستور داد که چهار کتاب مقدّس، یعنی تورات و زبور و اناجیل و قرآن به فارسی ترجمه شوند و افرادی را تعیین کرد که این کتابها را برای او بخوانند (لوی، ۴۷۰). انجمن مسیح که از سالها قبل در دوران صفویه در ایران فعالیت می‌کرد؛ جامعه یهود تهران هم در این زمان (۱۷۴۵/۱۱۵۸ م) تأسیس گردید.^(۲) مبلغین اروپائی علیرغم اوضاع نابسامان ایران دست از فعالیت برداشتند. دکتر شعبانی می‌نویسد که روابط ایران و فرانسه از نظر سیاسی در عصر افشاریه نتیجه‌ای نداشت اما روابط مذهبی شامل این مقوله نمی‌شود. چه در این بخش کماکان فرانسه به عنوان «دختر بزرگ کلیسا» نقش «متفوق و مرجحی در ایران داشت.» (شعبانی، ۴۸۲) کشیشان پرتلاش ژزوئیّت همچنان فعالیت می‌کردند. پربازن^(۳) کشیش فرانسوی نقش مؤثری در دربار و بین طبقات عامی مسیحی ایران داشت. او که در سالهای (۶۰-۱۱۵۴ هـ / ۱۷۴۷-۱۷۴۱) در ایران می‌زیست برای تبلیغ آئین مسیحیت به ایران آمده بود، اما نزد نادرشاه به دروغ خود را پزشک معرفی کرد و نفوذش تا آنجا بالا گرفت که عنوان «طیب اول» یافت (حائری، ۱۶۳).

در عصر زندیه فرمانهائی از فرمانروایان این سلسله کریم خان و علی مرادخان وجود دارد که آزادیهای مسیحیان و مبلغین آنها را تأمین می‌کند. «عمدة المسيحية پادری فرنیسه حکیم» نزد کریم خان و «عمدة المسيحية پادری اورانوس حکیم» به حضور علی مرادخان رسید. خواست این پادریان، آزادی «پادریان فرنگیان و خلیفها در ممالک محروسه» بود و اینکه: «در هر کجا که خواسته باشند توقف و

۱- این کتاب به فارسی هم ترجمه شده است:، الشیخ محمد جواد البلاغی، مدرسه سیار، ترجمه الرحلة المدرسة السیارة، ترجمه ع. و. (بی‌جا، نصر، بی‌تا).

۲- لوی از یادداشتهای شلمو کهن صدق نقل می‌کند که تأسیس جامعه یهود تهران در سال ۵۵۹۶ عبری / ۱۷۴۵ م در عصر نادرشاه انجام شد (ص ۴۷۱).

سکنی کرده، هر یک از ارامنه و عیسویان و اولاد ایشان که خواسته باشد نزد ایشان آمد و شد کرده، تعلیم گیرند.» (قائم مقامی، ۶-۱۰۵).

در دوره نخستین حکومت قاجاریه رفت و آمد مبلغین مسیحی افزایش چشمگیری یافت. تکاپوی علماء نیز برای رد کردن و انتقاد آئین مسیح و یهود بیشتر شد؛ تا آنجا که بسیاری از اندیشمندان اهل قلم این عصر تألیفی در این زمینه دارند. حامد الگار روزگار ولیعهدی عباس میرزا رازمان بحبوحه فعالیت مذهبی و تدوین رساله‌های جدلی علیه صوفیگری، اخباریگری و مسحیت می‌داند. در این زمان علماء از مناظره لذت می‌بردند. ولف^(۱) از ملاقات با یک مجتهد شیرازی سخن می‌گوید که مکالمه با خارجی‌ها را دوست داشت و می‌گفت به فهم حلوت می‌بخشد (الگار، ۱۶۹).

هنری مارتین^(۲) از کشیشان معروف بود که در آغاز دوران قاجار به ایران آمد. وی با سرجان ملکم سفیر انگلستان در ایران ارتباط داشت و بعد از ورود به ایران تحت حمایت سرگوراوزلی^(۳) سفیر دیگر انگلستان قرار گرفت. اوزلی فراماسونر معروف نقش مهمی در اجرای سیاست استعماری انگلیس در ایران داشت و در معاهده گلستان به ضرر ایران کوشید. او طرفدار سیاست واگذشتن ایران در ناتوانی و وحشیگری بود. حمایت اوزلی بعنوان کارگزار قدرتمند کشور انگلستان از مارتین نشان می‌دهد که تا چه اندازه فعالیت‌های مارتین به نفع سیاست استعماری انگلستان بوده است.

«درست در هنگامی که ایران برای نخستین بار گام در گرداب سیاست جهانی گذاشته بود و با فقدان آزمودگی و آگاهیهای بسنده پیرامون دیپلماسی اروپا با دولتهای استعمارگر و فزونخواهی مانند انگلیس و روس و فرانسه دست به گریبان بود... هنری مارتین برای اجرای برنامه‌هایی در راستای سوداگری استعمار انگلیس و با برخورداردی فراوان از دستگیری و راهنمایی کارگردانان آن سیاست، گام به خاک ایران نهاد. دستیابی به این خواست از سوی هنری مارتین نمی‌توانست جز از این راه‌ها چهره بندد: تبلیغ کیش مسیح، سست ساختن بنیاد باورهای

1- Wolff

2- Henry Martin

3- Sir Gore Ouzely

مذهبی ایرانیان، متوجه ساختن اندیشه‌های همگانی بویژه دستگاههای رهبری سیاسی و مذهبی ایران به مسائل فکری و عقیدتی و معنوی که در کشور انگلیس ریشه داشت و از آنجا سرچشمه می‌گرفت، و به یک سخن بازداشتن جامعه ایران از گزینش راهی درست برای آشنائی ژرف و بنیادی بر ژرفای دو رویه تمدن بورژوازی غرب و رویارویی همه سویه با آن. اسناد و مدارک تاریخی نیک گزارشگر، آن است که هنری مارتین در درازای درنگ ۱۶ ماهه‌اش (از مه ۱۸۱۱ تا سپتامبر ۱۸۱۲) در ایران این وظائف استعماری را در چارچوب توانائی خویش به بهترین شیوه انجام داده است.» (حائری، ۵۱۶).

مارتین جلسات بحث در شیراز تشکیل داد، سپس از یکی از مجتهدین شیراز خواست که پیرامون دلایل پیامبری پیامبر اسلام کتابی بنویسد و چون مجتهد مزبور چنین کرد، مارتین دو کتاب در پاسخ او نوشت. ظاهراً یکی از آنها همان «میزان الحق» است که اشتهازی زیادی کسب کرد. (همانجا). پس از آن سیلی از ردّیه نویسی بر ضد مارتین جاری گردید که تا سالها بعد از مرگ او ادامه داشت. علمای مذهبی، متصوفه و سیاستمداران بر ضدّ مارتین کتاب نوشتند. مشهور است که مجتهد معروف آن زمان میرزای قمی (م ۱۲۳۱/۱۸۱۶) بعد از انتشار آراء مارتین رساله‌ای ناتمام بر ضدّ عقاید او نوشت و سخنانش را در مورد اسلام و مسیحیت رد کرد (همو، ۵۲۵).

ملاّ احمد نراقی عالم معروف نیز کتابی به نام **سیف الامة** بر ضدّ باورهای مارتین نگاشت. برای نوشتن این کتاب، وی ده تن از خاخامهای کاشان را دعوت کرد و به یاری آنان تعدادی از عبارات عهد عتیق و آثار مربوط به مذهب یهود را به فارسی برگرداند (الگار، ۱۶۸).

ملاّ علی نوری اصفهانی (م ۱۲۴۶/۱۸۳۰) از علمای امامیه که با میرزای قمی روابط دوستانه داشته است و سیّد محمد باقر شفتی که از علمای بسیار مشهور آن عصر است به وی اقتدا می‌کرد، کتابی بر ضدّ مارتین نوشت. فتحعلیشاه و میرزا آقا بزرگ در تشویق او برای نگاشتن این کتاب نقش داشتند (مدرس، ۶/۲۴۶). نوری معتقد بود کسانی که با مارتین بحث کرده‌اند، بیشتر از بی‌خبرانی بودند که خود را در زمره علمای اسلام دانسته‌اند (حائری، ۵۳۶). کتاب وی به نام: **حجّة الاسلام فی ردّ**

میزان الحَقِّ مشهور است.

از صوفیان بزرگ، آقا محمد رضا همدانی متخلّص به کوثر علیشاه هم دو کتاب بر ضدّ باورهای مارتین نوشت به نامهای *ارشاد المضلّین*، *فی اثبات نبوة خاتم النبیین* و *مفتاح النبوه* کتاب دوّم تکمیل کننده کتاب اوّل است. لی^(۱) استاد عربی دانشگاه کمبریج دوازده سال بعد از مرگ مارتین چند تا از ردود بین مسلمین و مسیحیان را در کتابی به انگلیسی ترجمه کرد و به نام *رسالات مربوط به مناظرات بین مسیحیت و آئین محمدی* چاپ کرد. از جمله کتاب *ارشاد المضلّین* همدانی را در این مجموعه قرار داد. لی کتابش^(۲) را کوششی را راه آشکار کردن و دروغ انگاشتن دیدگاههای مذهبی مسلمانان ایران دانست (آریان، ۱۶۱).

از سیاستمداران، میرزا بزرگ قائم مقام (متوفی ۱۲۳۹/۱۸۲۴) کتاب *اثبات النبوه* را بر ضدّ مارتین و نظریات یهود و نصاری و اثبات پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلّم نوشت. این کتاب به دستور فتحعلیشاه نوشته شد (حائری، ۵۳۳). کتبی که بر ضدّ مارتین تألیف شدند بسیارند که در اینجا به نام تعداد دیگری از آنها اشاره می‌کنیم.

«ردّ پادری» کتابی است که سید محمد حسین بن میر عبدالباقی خاتون آبادی (متوفی ۱۲۳۳/۱۸۱۸) بر ضدّ مارتین نوشته است. مؤلف الذریعه نام شش کتاب دیگر، از نویسندگان مختلف را ذکر می‌کند که به همین نام هستند (آغا بزرگ تهرانی، ۵/۱۰-۲۱۴).

اثبات النوة الخاصة دیدگاههای یهودیان و مسیحیان را درباره اسلام و پیامبر آن نادرست می‌خواند. نویسنده این کتاب ظاهراً حاج محمد جعفر همدانی ملقب به مجذوبعلی شاه کبوتر آهنگی (متوفی ۱۲۳۹/۱۸۲۳) است.

نصرة الدین از حاج محمد کریم خان (متوفی ۱۲۸۸/۱۸۷۱) کتابی است بر ضدّ عقاید مسیحیان از جمله مارتین و یک پادری دیگر که در سال ۱۲۵۲ قمری نوشته

1- Lee

2- *Controversial tracts on christianity and Mohammadanism* [Cambridge, 1924].

شده است (کرمانی، ۴).

هدایة الجاحدین و *هدایة المسترشدین* دو کتاب از ملا تقی کاشانی هستند که بر ضد تبلیغات پادریان و سؤالاتی که آنان در ذهن مردم القاء کرده‌اند، می‌باشد. کاشانی از فقهای شیعه بود که به زبان عبری و یونانی آشنائی داشت. کتاب *هدایة الجاحدین* را در سال ۱۳۰۵/۱۸۸۷ تألیف کرد و در آن به هفت سؤال پاسخ داد که برخی از سؤالات در کتاب پادری فرنگی *میزان الحق* مطرح شده بود (فاضل کاشانی، *هدایة الجاحدین*، چاپ سنگی). کتاب *هدایة المسترشدین* هم در جواب مارتین و پادری فیلیپ است که سیصد سال قبل رساله‌ای بر رد قرآن و دین نگاشته بود (همو، *هدایة المسترشدین*، ۴).

یکی دیگر از مبلغین اروپائی که در نوشته‌های اسلامی به نام فاندرا یا فندر^(۱) یاد شده است، کتابی به نام *میزا الحق* یعنی *همنام* کتاب هنری مارتین دارد.^(۲) این کتاب و کتاب دیگر فاندرا به نام *طریق الحیاة و مفتاح الاسرار*، که در اثبات دین مسیح بودند، مورد نقد علمای مسلمان قرار گرفتند. چون ای دو کتاب ابتدا در کلکته چاپ شدند، نخست علمای ساکن هند به پاسخگوئی پرداختند. سید علی حسن از اندیشمندان ساکن هند کتابی به نام *استفسار بر رد فندر* نوشت که در سال ۱۲۶۱/۱۸۴۴ چاپ شد.

فعالتهای فاندرا در هندوستان سبب گردید که شیخ رحمت الله هندی از او دعوت به مناظره کند. مجلس مناظره در شهر اکبرآباد در سال ۱۲۷۰ هـ/ ۱۸۵۳ م. برقرار گردید. کتاب *اظهار الحق* حاصل این مناظرات است که به زبان اردو تنظیم شده بود و بوسیله شیخ رفاعی الخولی به عربی ترجمه گردید. اساس بحث درباره تحریف و نسخ است (*اظهار الحق*، چاپ ۱۴۱۲ ق).

1- Pfander

۲- همنامی کتاب مارتین و فاندرا این شبهه را ایجاد کرده است که شاید فاندرا همان فیلیپ بوده است که مارتین کتابش را بر اساس کتاب او تنظیم کرده است. (ر.ک: *مصل صفا*، تصحیح ناجی، ص ۳۳، قسمت پانوشت)؛ اما با توجه به مناظره‌ای که بین شیخ رحمت الله هندی در سال ۱۲۷۰ و فاندرا وجود داشته، مشخص می‌شود که او نمی‌تواند فیلیپ - که سالها قبل از مارتین (متوفی ۱۲۲۷) می‌زیسته - باشد.

در ایران هم افرادی به کتاب فاندِر پاسخ گفتند از جمله میرزا یوسف قره‌داغی تبریزی است که کتابی به نام *لسان الحق فی اثبات مظالم المسیحین* به زبان فارسی نوشت و در سال ۱۳۳۶ قمری در ایران چاپ شد. مطالب آن در نقد و ردّ سخنان فندِر و کتاب *میزان الحق* او و نورتن^(۱) یکی دیگر از پادریان فرنگ است.

فعالیت مبلّغان اروپائی در دوران پنجاه سال سلطنت ناصرالدین شاه همچنین در عصر مظفرالدّین شاه ادامه داشت. کتابهایی هم بر ضدّ اسلام پراکندند. که این بحث مجال پرداختن به آنها را ندارد. ولی نکته‌ای که لازم است تذکر داده شود این است که: آنچه ذکر شد مربوط به فعالیت مبلّغان مسیحی بود و نامی از یهودیان برده نشد. مشخص است که دین یهود جزء ادیان غیر تبلیغی^(۲) است که بیشتر جهت حفظ و نگهداری خود کوشش می‌کند و تأکید دارد که نژادها و ادیان دیگر آمیخته با یهودیان نگردند.^(۳) به این علّت نامی از مبلّغین یهودی برده نشد، البتّه مأمورین روحانی یهود در دوران صفویّه و قاجاریّه به ایران آمدند و با یهودیان تماس گرفتند. چنانچه ربی مشه اهل صفات در سال ۱۵۹۳/۱۰۰۲ ابتدای حکومت شاه عباس اوّل به ایران آمد و با یهودیان ایران قرار گذاشت که هر مرد یهودی از بیست سال به بالا سالی نیم مثقال نقره برای امور مذهبی به نام (حص شقل) بپردازد. این موضوع تا اواخر عصر احمد شاه باقی بود (لوی، ۳/۵۱۵).

در سالهای بعد هم افراد دیگری آمدند از جمله در سال ۱۷۷۹/۱۱۹۳ م مأمورین روحانی یهودی که به ایران آمدند در مورد نماز به یهودیان تعلیماتی دادند

۱- نورتن از متعصّبین مسیحی بود که کتابی در سال ۱۸۳۷ م در بوستن چاپ کرد و در آن حتی المقدور از انجیل و کتب مقدّس حمایت کرده است (میرزا یوسف تبریزی، *لسان الحق فی اثبات مظالم المسیحین*، تبریز، اسکندانی، ۱۳۳۶، ص ۲-۲۲۱).

۲- ماکس مولر شش دین بزرگ جهان را به دو دسته تقسیم کرده است که این تقسیم بندی امروز نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. یکی از ادیان تبلیغی و دیگری ادیان غیر تبلیغی که در ذیل دسته اوّل بودائیّت، مسیحیّت و اسلام است و تحت عنوان دوّم یهودیّت، برهمنی و زردشتی است. (آرنولد، توماس، *چگونگی گسترش اسلام*، ترجمه حبیب الله عاشوری، سلمان، بی تا).

۳- در اسرائیل بین خاخام بزرگ و دولت اسرائیل نزاع بر سر اینکه چه کسی یهودی است درگرفت از نظر حکومت و دیوانهای اسرائیل هر اسرائیلی یهودی محسوب می‌شد. ولی خاخام بزرگ هر یهودی را که از پدر و مادر یهودی و مورد قبل کنیسه سنتی، زاده نشده باشد بی اعتبار دانست (ظفر الاسلام خان، ۳۶، ح).

(همو، ۳/۴۸۵). یکسال قبل از سلطنت آقا محمد خان قاجار هم یکی از مأمورین روحانی ارض مقدّس وارد ایران شد و اصلاحاتی در ارتباط با دین یهودیان انجام داد که اثرات آن تا امروز باقی مانده است (همو، ۳/۵۱۱، ۷-۵۱۴).
گرچه خود یهودیان به تبلیغ دین خویش نپرداختند اما با توجه به اینکه مسیحیان تورات را قبول دارند، تبلیغگران مسیحی در بحثهای خود به تورات هم استناد می‌کردند.

غیر از علمای مسلمان که در صدد پاسخگویی به تبلیغات پادریان اروپائی برآمدند و آثاری در زمینه ردنویسی آفریدند، نو مسلمانان که ابتدا مسیحی یا یهودی بودند هم به خلق کتبی در این زمینه پرداختند.

تغییر کیش و نوع تفکر جدید الاسلام‌ها

برغم فعالیت گسترده مبلغان اروپائی و مسیحی که ذکر شد، تغییر کیش دسته جمعی و خانوادگی از سوی مسلمانان به مسیحیت دیده نشده است. فقط افراد انگشت شماری مسیحی شدند. آن هم کسانی بودند که به اروپا رفته تحت تأثیر فرهنگ آنجا قرار گرفتند. عکس قضیه یعنی مسلمان شدن مسیحیان و یهودیان در تاریخ ایران مکرر اتفاق افتاده است. در عصر صفویه و بعد از آن نیز همچنان تغییر کیش وجود داشت. این افراد ملقب به جدید الاسلام می‌گردیدند. در مورد اینکه چه عواملی سبب تغییر کیش این افراد گردیده دیدگاههای متفاوتی وجود دارد. برخی عامل فشار را علت اصلی اسلام آوردن این اقلیتها بویژه یهودیان در عصر صفویه و قاجاریه دانسته‌اند. مسیحیان اگرچه در اواخر عصر صفویه گاه فشارهایی را متحمل می‌شدند، ولی در مجموع، منابع از آزادی نسبی ارامنه در ایران سخن گفته‌اند. این آزادی در زمان قاجاریه نیز وجود داشت. پیترو دولاواله، رافائل دومان و شاردن جهانگردان و مأموران اهل اروپا هستند که از ایران در عصر صفویه دیدن کرده‌اند و وضع مسیحیان را خوب توصیف کرده‌اند (رائین، ۳۴-۳۰)^(۱). مادام

۱- رائین از قول دکتر کتابچی از ارامنه معروف تهران نقل می‌کند: «ایران همیشه درباره رعایای غیر مسلمانش و مخصوصاً ارامنه دارای سیاست آزادانه‌ای بوده است که دولتهای اروپائی خوب بود آن را سرمشق قرار دهند.» این مقاله در سال ۱۹۱۷ چاپ شد و بعد توسط تقی زاده به فارسی ترجمه گردید (ر.ک. ایرانیان ارمنی، ص ۱۵).

دیولافواکه در عصر قاجاریه در ایران بوده است نیز از آزادی نسبی مسیحیان سخن گفته است (آریان، ۹۵).

یهودیان در ایران کمتر مورد توجه بودند. شاید خصومت اروپائیان با یهودیان و حمایت دولت عثمانی از یهودیان در این مورد نقش داشته است (ملکم، ۱۴۹/۲). ولی آنچه برخی از نویسندگان چون حبیب لوی در مورد بدی وضع یهودیان در ایران نوشته‌اند بدون شک خالی از اغراق نیست. لوی از مسلمان شدن اجباری مردم شهرهای مختلف بویژه در زمان شاه عباس دوم یاد می‌کند (۳۱۳-۳۲۲/۳). وی به اشعار بابایی لطف که از یهودیان عصر شاه عباس ثانی بود و کتابش را در سال ۱۶۵۵ م / ۱۰۶۶ نوشته است، استناد می‌کند. در صورتیکه اشعار بابایی لطف با توجه به اسناد تاریخی چندان درست نمی‌باشد. منابع روابط شاه عباس اول را با اقلیت‌های مذهبی خوب ذکر کرده‌اند. در مورد شاه عباس ثانی بیشتر منابع از عدم تعصب او صحبت کرده‌اند. سرجان ملکم نوشته است که نسبت به هیچ یک از مذاهب تعصب نداشت. کروسینسکی نیز عدم تعصب شاه عباس دوم را در مسائل مذهبی ستوده است. لکه‌هارت هم درباره آنچه در تاریخ یهود اثر منظوم لطفی و فرهاد از تعقیب و آزار کلیمی‌ها و اسلام آوردن اجباری آنها آمده، می‌نویسد: «چون این نویسندگان کلیمی مطالب را به زبان شعر گفته‌اند، لذا در بیان تعقیب و آزار یهودیان در زمان شاه عباس دوم مبالغه کرده‌اند.» (ص ۳۳-۳۲).

آنچه مسلم است تغییر مذهبی که از روی فشار باشد حقیقی نیست و این افراد تمایلی به نوشتن کتاب بر ضد دین خود و حقانیت دین جدید ندارند و هر زمان که آزادی پیدا کنند دوباره به دین اجدادی خود بخواهند گشت.

یادآوری این نکته لازم است که علل مذهبی تنها محرک تعقیب کلیمیها نبود. همانطور که شاردن جهانگرد فرانسوی نوشته است، این عده گاهی متهم به جادوگری می‌شدند (لوی، ۴۲۰/۳).

برخی عامل اقتصادی را سبب تغییر کیش ذکر کرده‌اند. این عامل را در تغییر کیش دادن افراد نمی‌توان دست کم شمرد. وضعیت اقتصادی مسیحیان در زمان صفویه و قاجاریه نسبتاً مساعد بود (قس: پیکولوسکایا، ۵۲۲). ولی یهودیان اکثراً

در فقر بسر می‌بردند و به شغل‌های پست اشتغال داشتند (لوی، ۳/۴۲۰؛ اورسل، ۱۰۷؛ ملکم، ۲/۱۸۵). برخی از پادشاهان صفویّه چون شاه عباس اوّل و دوم به افراد پول می‌دادند که مسلمان شوند. شاردن در سفرنامه خود می‌نویسد که شاه عباس به هر مرد یهودی ۴۰۰ فرانک و به هر زن ۳۰۰ فرانک می‌داد تا مسلمان شود و بدین ترتیب جمع بسیاری را مسلمان کرد (به نقل از لوی، ۳/۴۲۰). شاه عباس دوّم نیز همین کار را در اثر مشورت با نخست وزیر خود محمّد بیگ انجام داد. شاردن خود اظهار می‌دارد که این مسلمانی حقیقی نبود. موقعی که از این یهودیان که با پول مسلمان شده بودند، سؤال می‌شد که مسلمان هستی، اظهار می‌داشتند که من یهودی هستم. به من دو تومان دادند که اقراری غیر از حقیقت بنمایم (همانجا). عامل اقتصادی دیگری که به مسلمان شدن مسیحیان و یهودیان کمک می‌کرد، قانونی بود که در زمان شاه عباس اوّل مطرح گردید و آن اینکه با مسلمان شدن یکی از معتقدین به این ادیان، ارث اقوام او به شخص جدید الاسلام می‌رسید. این قانون تا دوران حکومت ناصرالدین شاه مُجری بود (لوی، همانجا؛ لکه‌هارت، ۸۳) و افرادی را که طمع به اموال خاندان خود داشتند تشویق به مسلمان شدن می‌کرد. کسانی که به این دلیل مسلمان می‌شدند معمولاً اطلاعات وسیعی نسبت به دین اوّلیّه خود و نیز مطالعه‌ای در مورد دین اسلام نداشتند.

تناقضات و مطالب غیر عقلانی مذکور در کتب مقدّس هم عامل مهمّی برای تغییر کیش بود. در اینجا مناسب است که چند تن از افراد جدید الاسلام که تألیفاتی بر ضدّ مذهب قدیم خود داشته‌اند و عاملی که آنها سبب تغییر کیش خود می‌دانند مورد توجّه قرار گیرد. اینان معتقدند که در واقع تناقضات کتب مقدّس و اعتقادات پیروان دین اجدادیشان و مطالعه‌ای که درباره‌ی اسلام داشته‌اند سبب تغییر کیش آنها گردیده است.

علیقلی جدید الاسلام از علمای بزرگ مسیحی در عصر شاه سلطان حسین صفوی بود. وی در مورد زندگی‌اش چنین می‌نویسد که ابتدا نصرانی بوده است و بعد مطالعه و تتبع در کتب نصاری نمود و «بعد از بطلان دلایل ایشان که بر حقیقت مذهب خود دارند به بیّنه و برهان عقلی اختیار دین حقّ» کرده است. علیقلی جدید

الاسلام ابتدا مورد اعتماد نصاری و «سرامد پادریان» آنها بود. بطوریکه گمان می‌کردند که «روح القدس در قلب» او (علیقلی، دستنوشته ۱۲۱۱۶) طلوع کرده است. پس از مسلمانی، کتابی به زبان فرنگی در جواب اعتراضات آنها نوشت. بعد این کتاب را خود به فارسی ترجمه کرد و هدایه الضالین و تقویة المؤمنین نامید به این امید که:

«انشاء الله تعالی بعد از اتمام همچنانکه آن نسخه اولی به کار نصاری اگر عقل داشته باشند می‌آید، این نسخه فارسی نیز در میان شیعیان به یادگار مانده بعد از مطالعه بر حقیقت مذهب خود واقف و باعث مزید رسوخ ایشان گردد و از طریقه باطله نصاری اجتناب و احتراز لازم دانند.» (همانجا).

کتاب وی چهار جلد است که هر یک دارای فصول متعددی است:
 جلد اول، ردّ اصول دین نصاری و ثبوت اصول دین مبین محمد صلی الله علیه و آله و سلم از کتب ایشان.
 جلد دوم، در ردّ فروع دین نصاری و ثبوت فروع دین محمدی صلی الله علیه و آله و سلم از کتب ایشان.

جلد سوم، در اثبات نبوت و خاتمیت و علامات ظهور رسول از کتب ایشان.
 جلد چهارم، در اثبات امامت حضرات ائمه معصومین علیهم السلام و ظهور علامات زمان قائم آل محمد موافق کتب ایشان.

علیقلی کتاب دیگری به نام سیف المؤمنین دارد. وی این کتاب را در پاسخ تبلیغات میسونرهای اروپائی که در ایران بودند نوشت. در این کتاب سعی او این است که تحریفات کارگزاران کلیسا را افشاء کند. وی به این دلیل که به زبان فرنگیان آشنا بود متوجه واژگون‌سازیهایی که یکی از پادریان نصارا در ترجمه کتب مقدس از لاتین به عربی مرتکب شده می‌گردد و پرده از آن برمی‌دارد. سرّ این تحریفات را علیقلی در دو مسأله عنوان می‌کند. یکی اینکه «مردم از روی آن ترجمه عربی بر مضامین فقرات تورات آگاه گردیده، ایشان را در رسوخ به طریقه باطل ملامت نکرده»، و دیگر اینکه وقتی علمای مسلمان خواستند بر اساس استدلال به کتب نصاری، دین آنها را رد کنند و حق بودن دین اسلام را ثابت کنند، چون زبان لاتین

نمی‌دانند بر اساس آن ترجمه عربی اقامه حجّت می‌کنند «بنابر آنکه ترجمه عربی موافق خواهش نصارا به قالب زده شده بود بعد از آن که نصارا بر اجوبه و دلایل علمای اسلام مطلع گردیدند از روی استخفاف ردّ اقوال علماء کرده، اظهار بی‌دانشی ایشان می‌نمودند.» (علیقلی، دستنوشته ۶۷۳۱).

از جمله تحریفات پادری نصاری این بود که دیباچه جرانیم را به عربی ترجمه نکرد. زیرا هرکس آن را می‌خواند «از آن دیباچه علم به بازیچه بودن کتب و طریقه نصاری بهم می‌رساند» و اعتمادش را نسبت به کتب آنها از دست می‌داد. به این جهت علیقلی تورات عربی را با لاتینی مقابله و دیباچه جرانیم را نیز به فارسی ترجمه کرد. پس از آن هر عبارتی را که به نظرش دلیل بر حقانیت دین اسلام و ردّ دین نصارا بود تفسیر و تأویل نمود. به این ترتیب کتاب *قطور سیف المؤمنین* بوجود آمد. در آخر هم یادآور گردید که با «ترجمه این دوازده فصل رشته غدر نصاری و یهود را بالکلیه منقطع و اعضای مذهب باطل ایشان را به این سیف قاطع از یکدیگر منفصل گردانیدیم.» (همو، صفحه آخر).

شخص دیگری از علمای نصاری که مسلمان شد و به نام جدید الاسلام معروف گردید، حسینقلی داغستانی است. وی که از ارامنه شیروان بود پس از فراگرفتن روسی و ارمنی به مطالعه کتب تاریخی و مذهبی پرداخت. آنگاه که به بطلان فرق مسیحیت پی برد با علماء اسلام «تکلم» کرده شبها «با لباس مبدل به خدمت ایشان رسیده» با آنان گفتگو می‌کرد. بعد از مسلمان شدن به فراگیری دروس عربی و فارسی پرداخت و سپس به کشورهای روس و عثمانی مسافرت کرد و در بغداد در جوار «امام جوادین» ساکن شد. در آنجا کارخانه «جوهر نطف کشی» احداث کرد و در ضمن آن به تألیف کتب پرداخت. کتاب *کشف ظلم الملل* نتیجه تجربیات اوست. در مورد فرق اسلامی هم تحقیق کرده و کتاب *اخبار النجاری* را نوشت. کتابهایی نیز راجع به وضعیّت مسلمین و برای اصلاح آنها تألیف کرد که از جمله *تذکره الذاکرین* و *تذکره المدبّرین* است.

کتاب *کشف الظلم عن معتقدات الباییه و بیان معتقدات المسیحیین* وی در سال ۱۳۲۴ هجری چاپ شده است. بیش از نیمی از این کتاب در ردّ تفکرات مسیحیان

است. آثار حسینقلی نشان می‌دهد که او فرد پرکاری بوده است و نسبت به مسائل اعتقادی و اجتماعی واکنش نشان می‌داده است. زمانی که وی ضعف ملت ایران را در مقابل اروپا می‌بیند، کتاب *تذکرة المدبرین* را می‌نویسد تا به حکومت و مردم نصیحت کند و شیوه صحیح زمامداری را نشان دهد. یکی از سفارشهای او در مورد رعایای اجنبی و اقوام یهودی و نصاری چنین است که «باید برایشان (رعایای اجنبی) ظلم و تعدی نشود و حکام باید با ایشان مدارا و با عدالت و انصاف و بصیرت حکم کنند. اقوام یهودی و نصارا و غیر ذلک باید در امن و امان باشند نه سر بلند کنند که به اسلام زیادتی کنند و نه اسلام آنها را در زیر پا پامال کند، بلکه حکومت چنان باید حکم و عدالت کند و چنین اظهار کند که این حکم خدا و رسول است تا که هر زمان مدح پادشاه کنند و از احکام محمد راضی شوند.» (حسینقلی، دستنوشته ۱۴۲۴).

از جدید الاسلام‌های پرآوازه عصر ناصری محمد صادق فخرالاسلام است. وی نیز ابتدا مسیحی بوده و به درجه کشیشی رسیده بود. سپس به تحقیق و تفحص پرداخته مسلمان گردید. بعد از آن به تحصیل علوم اسلامی پرداخت. شانزده سال در نجف تحصیل علم کرد و اجازه اجتهاد گرفت. اهل منبر هم بود و در تأسیس مدرسه و روزنامه نیز دست داشته است. آثار زیادی دارد از جمله *تعجیز المسیحین* و *خلاصة الکلام فی افتخار الاسلام* که به اشاره مرحوم آیه الله العظمی بروجردی چاپ شده است (فخرالاسلام، ۱/ «و»). کتاب معروف او *انیس الاعلام فی نصره الاسلام* درباره تحریف عهدین و ابطال اعتقادات کلیسا می‌باشد. این کتاب در شش جلد با پاورقی‌های عبدالرحیم خلخالی چاپ گردیده است. ناصرالدین شاه علت اسلام آوردن او را پرسید. وی ادله کافی در این مورد ارائه کرد آنگاه شاه او را ملقب به فخر الاسلام ساخت (همو، «د»).

در بین یهودیان نیز افرادی زیادی مسلمان شدند. دو اثر معروف از علمای جدید الاسلام یهود وجود دارد که به انتقاد دین یهود و رد آن و اثبات دین اسلام می‌پردازد. یکی از اینها توسط اسماعیل حاجی بابا و دیگری توسط محمد رضای جدید الاسلام نوشته شده است.

محمد اسماعیل جدید الاسلام از علمای معروف یهود در یزد بود. وی پس از تحقیق درباره اسلام، مسلمان شد. پس از آن روابط خود را با یهودی ها قطع نکرد. بلکه جلسات بحث و مناظره با آنان تشکیل می داد. فرزندش اسماعیل حاجی بابا قزوینی که در دوران جوانی در این بحثها شرکت داشته بعدها به فکر نوشتن کتابی در رد عقاید یهود افتاد (ص ۱۰) و کتاب *محضر الشهود فی رد الیهود* را با توجه به بحثهای پدر نوشت. وی چون زبان عبری می دانسته از منابع عبری استفاده کرده است. از کتاب *محضر الشهود* نسخه های خطی متعددی وجود دارد. آقای سید احمد حسینی نسخه خطی کتابخانه وزیری یزد را بدون اینکه توضیحات و حواشی بر آن اضافه کند به چاپ رسانده است. نسخه ای از این کتاب در کتابخانه آستان قدس رضوی وجود دارد که تاریخ کتابت آن از نسخه یزد جدیدتر است و در پایان مطالبی اضافه تر از نسخه یزد دارد (حاج بابای قزوینی، مخطوط ۹۰۴).

صاحب *الذریعه* تاریخ تألیف کتاب را ۱۲۱۱ قمری نوشته است (آغابزرگ، ۱۵۲/۲۰) که ظاهراً باید تاریخ کتابت آن باشد. کتاب دارای هفت باب است که هر باب شامل فصول متعددی است. اساس بحث بر کتب مورد قبول یهود گذاشته شده است و پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را هم بر اساس آن کتابها اثبات می کند.

از نویسندگانی که در کتابهای *محضر الشهود* در کتابهای کلامی و اعتقادی یاد شده است (کاشانی، ۱۱۶). در کتابهای تاریخی تا آنجا که مورد مطالعه قرار گرفت ذکری از او نشده است. کتاب *تاریخ یهود ایران* که مطالب مربوط به یهود حتی مطالب جزئی و افسانه ای تاریخ یهود را هم ذکر کرده است نامی از این نویسنده نمی برد. به این جهت برای آشنایی با شخصیت او نیاز به بررسی بیشتر و عمیق تری داریم.

محمد رضای جدید الاسلام معروف به ملا آقا بابا یکی دیگر از علمای یهود است که در سال ۱۲۳۷ ه ق / ۱۸۲۲ م مسلمان گردید. وی ابتدا از ملایان بزرگ یهود بود و در هنگام تشرف او به اسلام جمعی از علماء و رجال سیاسی چون ملا احمد نراقی و میرزا بزرگ قائم مقام حضور داشتند (ملاً آقا بابا، ۱۰). اسلام آوردن ملا آقا بابا موجب ناراحتی یهودیان گردید و با ارسال افرادی علت را جویا شدند او

نیز به نوشتن کتاب *اقامة الشهود في رد اليهود* پرداخت. کتاب ابتدا به زبان عبری بود و بعد از مرگ مؤلف در سال ۱۲۹۲ هـ ق / ۱۸۷۵ م بوسیله علی بن الحسین الحسینی و با کمک برادرزاده مؤلف که به زبان عبری آشنا بود، به زبان فارسی ترجمه و چاپ سنگی گردید. محمد رضا در ابتدای کتابش می نویسد:

«کمترین حقیر فقیر از سلسله علمای بنی اسرائیل بودم و در میان ایشان از افاضل و اعیان بودم و همگی علمای بیت المقدس و ارباب فهم آن طایفه به فضل و تتبع من معترف بودند و در تمام عمر مشغول به تحصیل علوم و مطالعه کتب سماوی و در مقام و متابعت رسوم انبیاء سلف و علمای خلف بودم و در آن تجسس و طلب به غیر از تمیز میان حق و باطل ادیان و وصول به طریق حق و ایقان مطلبی و مقصودی نداشتم و پیوسته ظهور راه صواب را از مفتاح الابواب سائل... بودم.» (همو، ۸).

صاحب *الذریعة* او را از اکابر علمای یهود خوانده است و علاوه بر کتاب *اقامة الشهود* کتابهای *محضر الشهود مفتاح النبوة* (آغازبزرگ، ۲/۲۶۳) را به او نسبت داده است. پیش از این ذکر شد که کتاب *محضر الشهود* متعلق به حاجی بابا اسماعیل قزوینی یزدی است و نویسنده *مفتاح النبوة* هم محمد رضا کوثر علیشاه می باشد. ظاهراً شباهتهای اسمی سبب اشتباه صاحب *الذریعة* گردیده است و این اشتباه در *ریحانة الادب* (مدرس، ۱/۲) و *فرهنگ دهخدا* (دهخدا، ۲۷۲). هم راه یافته است. در کتاب *تاریخ یهود ایران* نام او ملاً آقا بابا فرزند رحیم ذکر شده، وی در اصل از یهودیان شیراز بوده که به تهران آمده اند. ملاً آقا بابا یکی از دو خاخام جامعه یهود تهران بوده و به سبب رقابت اسلام آورده است. کتاب *تاریخ یهود ایران* که بشدت به جانبداری از یهود نوشته شده است اسلام آوردن او را ضربه بزرگی به پیکر نحیف یهود در آن روزگار ذکر می کند. اطلاعات علمی و دانایی محمد رضت، هم از جانب نویسندگان یهودی و هم از جانب نویسندگان مسلمان تأیید شده است. شلموکهن صدق او را از رهبر دیگر یهودیان که در آن عصر زندگی می کرده، داناتر دانسته است (لوی، ۳/۵۷۰). سال رحلت محمد رضا جدید الاسلام مشخص نیست، اما بنا به گفته شلموکهن صدق در قبرستان مسلمانان بر سر قبر آقا دفن گردیده و بر روی

سنگ قبر او نوشته شده است:

از منزل عدم بوجود آشنا شدم در امت کلیم خدا پیشوا شدم
در مصحف کلیم و در احکام انبیاء دیدم محمد است محمدرضا شدم
رفتم از این جهان به بر دوست شادمان از بهر آنکه طالب دین خدا شدم
(ملا آقا بابا، ۱۳۴؛ لوی، همانجا).

کتاب *اقامة الشهود* دارای چهار باب است که بوسیله مترجم آن تفسیر و توضیح داده شده است. به این جهت تشخیص این موضوع که کدام مطلب از نویسنده است و کدام از مترجم مشکل می باشد. متن عبری کتاب فعلاً در دسترس نیست. مترجم کتاب نوشته است که یهودیان زمانی که متوجه مسلمان شدن ملا آقا بابا شدند سعی در اذیت و بدنام کردن او کردند و بعد در صدد از بین بردن نسخه اصلی کتاب برآمدند ولی تا زمان مترجم موفق نشدند؛ حتی آنان سعی کردند که از ترجمه و چاپ کتاب هم جلوگیری کنند (ملا آقا بابا، ۲۸۹).

مطالب کتاب *اقامة الشهود* که بوسیله مترجم منقول رضائی نامیده شده است در قسمتهائی شباهت به کتاب *محضر الشهود* دارد. احتمال می رود که این قسمتها توسط مترجم کتاب به آن اضافه شده باشد. بهرحال تا زمانی که متن عبری کتاب به دست نیامده است، این موضوع بصورت یک احتمال باقی می ماند.

منابع:

- آرنولد، توماس، چگونگی گسترش اسلام، ترجمه حبیب الله عاشوری، سلمان، بی تا.
آریان، قمر، چهره مسیح در ادبیات فارسی، تهران، معین، ۱۳۶۹ ش.
آغا بزرگ تهرانی، محمد، الذریعة الی تصانیف الشیعه، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۳ ق.
الگار، حامد، دین و دولت ایران، نقش عالمان در دوره قاجار، ترجمه ابوقاسم سری، تهران، توس، ۱۳۶۹ ش.
اورسل، ارنست، سفرنامه اورسل، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران، شرکت افست، چاپخانه ۲۵ شهریور، ۱۳۵۳ ش.
البلاغی، الشیخ محمد جواد، الرحلة المدرسة السیارة، ترجمه ع. و، بی جا، نصر، بی تا.
پیکو لوسکایا و دیگران، تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم میلادی، ترجمه کریم

- کشاوری، تهران، پیام، ۱۳۵۳ ش.
- حائری، عبدالهادی، نخستین رؤیائیهای اندیشه گران ایران با دورویه تمدن بورژوازی غرب، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲ ش.
- حاج بابای قزوینی، اسماعیل، محضر الشهود فی ردّ اليهود، به کوشش سید احمد حسینی، یزد، کتابخانه وزیری، بی تا.
- همو، محضر الشهود فی ردّ اليهود، آستان قدس رضوی، دستنوشته ۹۰۴، بی صفحه شمار.
- حسینقلی جدید الاسلام، تذکرة المدبرین، آستان قدس رضوی، دستنوشته ۱۴۲۴۴، بی صفحه شمار.
- دهخدا، فرهنگ دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۸ ش.
- رائین، اسماعیل، ایرانیان ارمنی، تهران، چاپخانه تهران مصور، ۱۳۴۹ ش.
- شاردن، سیاحتنامه شاردن، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۵ ش.
- شعبانی، رضا، تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه، تهران، خوشه، ۱۳۶۹ ش.
- ظفر الاسلام خان، نقد و نگرش بر تلمود، ترجمه محمد رضا رحمتی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹ ش.
- علوی عاملی، سید احمد، مصقل صفا در نقد کلام مسیحیت، تصحیح حامد ناجی اصفهانی، قم، امیر، ۱۳۷۳ ش.
- علیقلی جدید الاسلام، هدایة الضالین و تقویة المؤمنین، کتابخانه آستان قدس رضوی، دستنوشته ش ۱۲۱۱۶، بی صفحه شمار.
- همو، سیف المؤمنین فی قتال المشرکین، آستان قدس رضوی، دستنوشته ۶۷۳۱، بی صفحه شمار.
- فاضل کاشانی، محمد تقی، هدایة الجاحدین، تهران، سنگی، ۱۳۰۹ ق.
- فخرالاسلام، محمد صادق، انیس الاعلام فی نصره الاسلام، به کوشش سید عبدالرحیم خلخالی، تهران، مرتضوی، ۱۳۵۱ ش.
- قائم مقامی، جهانگیر، یکصد و پنجاه سند تاریخی از جلاریان تا پهلوی، تهران، چاپخانه ارتش، ۱۳۴۸.
- کاشانی تهرانی، آخوند ملا محمد تقی، هدایة المسترشدین، تهران، چاپ سنگی، ۱۳۱۲ ق.

کرمانی، محمد خان، حسام الدین در اثبات تحریف توریة وانجیل، کرمان، سعادت، ۱۳۵۳ ش.
گزاویه، ژروم، آئینه حق نما، دست نوشته کتابخانه آستان قدس رضوی، مشهد، کتابخانه مرکزی
آستان قدس رضوی، ۱۳۶۴ ش.

لکهارت، لارنس، انقراض سلسله صفویّه، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران، بنگاه ترجمه و
نشر کتاب، ۱۳۴۴ ش.

لوی، حبیب، تاریخ یهود ایران، تهران، بروخیم.

مدرس تبریزی، محمد علی، ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیة او اللقب، تهران، خیام،
۱۳۷۴ ق.

ملاً آقا بابا، محمد رضا جدید الاسلام، منقول رضائی، تهران، چاپ سنگی، بی تا.

ملکم، سرجان، تاریخ ایران، تهران، سعدی، بی تا.

میراحمد، مریم، دین و مذهب در عصر صفویه، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۳ ش.

ولایی، مهدی، فهرست خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، مشهد، کتابخانه مرکزی
آستان قدس رضوی، ۱۳۶۴ ش.

Rieu, Chartes, *catalogue of the Persian Manuscripts in the British Museum*,
London, 1966.